



فضیلت حج در روایات

(خاصه و عامه)

محمد جواد حجتی کرمانی

داد که در میان مردم اعلان حج دهد. فریاد بر آورد:

«ای مردم! خدای را خانه‌ای است، پس آهنگ آن کنید».

و خدا فریاد او را - تا روز رستاخیز - به گوش همه آنان که از دودمان ابراهیمند رسانید.

۲ - خداوند می‌فرماید: «لِشَهِدُوا

۱ - در ذیل آیه مبارکه «و اذن فی الناس بالحج یأتوک رجالاً و علی کل ضامر یأتین من کل فج عمیق».

«ای ابراهیم! فریاد حج در میان مردم بر آور که پیادگان و سوار بر شتران لاغر، از همه دره‌های ژرف به سویت آیند».

قتاده گوید: چون خدای تعالی - که با عزّت و جلال باد - به ابراهیم - ع - دستور

عرفه کفاره آن نیست». و جعفر بن محمد - ع - این گفته را به رسول خدا - ص - نسبت داده است.

در کتاب «من لایحضره الفقیه» چنین آمده است:

۱ - ابراهیم - ع - چنین ندا در داد: «هُلِّمَّ اِلَى الْحَجِّ بِه هَلِّمَّ اِلَى الْحَجِّ». و اگر چنین ندا در داده بود که: «هُلِّمُوا اِلَى الْحَجِّ»، به جز همان انسانهایی که آن روز، آفریده شده بودند، حجّ بجا نمی آوردند ولی چون ابراهیم ندا در داد که: «هُلِّمَّ اِلَى الْحَجِّ» مردمی که در صلب مردان و رحم زنان بودند، به او چنین لبیک گفتند: «لَبَّيْكَ داعی الله! لَبَّيْكَ داعی الله!» یعنی «تو را پاسخگوییم، ای که ما را به خدا می خوانی! تو را پاسخگوییم ای که ما را به خدا می خوانی!».

هر که پاسخ ابراهیم - ع - را یکبار گفت، یکبار حج کرده و آنکه ده بار گفت، ده بار حج کرد، و آنکه پاسخ نگفت، حج نکرد.^۴

۲ - قال الله تعالی: «فَفَرُّوا اِلَى اللَّهِ» یعنی: «حَجُّوا اِلَى اللَّهِ» من اتخذ محملاً للحج کان کم ارتبط فرساً فی سبیل الله.^۵

منافع لهم؛ «برای آنکه سودهایی که دارد ببینند».

برخی گفته اند «(این سود) تجارت در موسم حج و اجر در آخرت است» و پاره ای از گذشتگان چون این را شنیدند گفتند: «سوگند به پرودگار کعبه که آمرزیده شدند».

۳ - و در تفسیر آیه «لَا قَعْدَنَ لَهُمْ صِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمَ» «من در برابر آنان، بر سر راه راست تو سخت خواهم نشست» گفته اند: مراد از «مستقیم» در اینجا راه مکه است که شیطان بر آن می نشیند تا مردم را از طی نمودن آن باز دارد.^۱

۴ - و پیغمبر - ص - فرمود: آنکه حج خانه کند، پلیدی نکند و فسق بجا نیاورد،^{*} از گناهان خود بیرون رود مانند روزی که مادرش زاده باشد.^۲

۵ - و باز آن حضرت - ص - فرمود: هیچ روزی، شیطان کوچک تر و خردتر و زبون تر^{**} و خشمگین تر از روز «عرفه» دیده نشد.^۳ و این نیست مگر بدانجهت که مهربانی، گذشت و آمرزیدن خدا گناهان بزرگ را می بیند. که گفته اند: «پاره ای از گناهان است که جز وقوف به

* لم یرفث ولم یفسق.

** ادحر.

خدا! من به قصد حج، بیرون آمده‌ام ولی حجّ از کفم رفت! من مردی ثروتمندم، به من دستوری ده که با داراییم کاری کنم که به اجری مانند اجر حج برسم. امام - ع - می‌گوید: پیامبر - ص - رو به او کرد و گفت: به «ابوقیس» بنگر! اگر ابوقیس طلای سرخ شود، که تو در راه خدایش انفاق کنی، به چیزی که حاجی می‌رسد، نمی‌رسی!».

سپس فرمود: «آنگاه که حاجی بار سفر کرد، چیزی بر ندارد و نگذارد، مگر آنکه خدا برایش ده حسنه نویسد و ده سیئه محو کند و ده درجه بالا برد».

و آنگاه که سوار شترش شود، گامی بر ندارد و نگذارد، مگر آنکه همانند آن برایش نویسد.

و آنگاه که به دور خانه طواف کند، از گناهانش بدر آید.

و آنگاه که سعی بین صفا و مروه کند، از گناهانش بدر آید.

و آنگاه که وقوف به عرفات کند، از گناهانش بدر آید.

و آنگاه که رمی جمرات کند، از گناهانش بدر آید.

امام - ع - می‌گوید: پیامبر این موقف و آن موقف حج را شمرد که وقتی حاجی

ترجمه: «فِرِّوْا اِلَى اللَّهِ»؛ به سوی خدا فرار کنید؛ یعنی: به سوی خدا حج کنید. و هر کس مرکبی برای سفر گیرد، چنان است که اسب خود را در راه خدا آماده جنگ کرده باشد.

۳ - در کتاب «من لایحضره الفقیه» روایت شده است که خدای جبار - جل جلاله - فرماید: آن بنده‌ای که من به او نیکی و خوبی کرده‌ام و او هر ۵ سال یکبار مرا در این مکان زیارت نکند به حقیقت، محروم است.^۶

۴ - حضرت امام باقر - ع - فرمود: «آن بنده که حاجت دنیایش را بر حجّ مقدم دارد، پیش از آنکه حاجتش برآورده شود، به نظاره حاجیان سر تراشیده خواهد پرداخت!».^۷

۵ - حضرت صادق - ع - فرمود: «هیچکس جز به گناه، از حجّ تخلف نکند و خدا بیش از اینها را عفو خواهد کرد!».^۸

۶ - از امام صادق - ع - پرسیدند: «شخص وام داده، وام گیرد و حج کند؟ فرمود: آری! قرضش زودتر ادا می‌شود!».^۹

۷ - در حدیث صحیح از حضرت صادق - ع - روایت شده است که: یک اعرابی به حضرت رسیده گفت: ای پیامبر

دارائیشان محفوظ ماند و این کمترین چیزی است که حاجیان به آن باز گردند. ۱۲

۱۰ - در «من لایحضره الفقیه» آورده

است: امیرالمؤمنین - ع - فرمود: «کسی که فریاد خود به تلبیه» (لبیک گفتن) بلند کند، همه چیزهایی که در طرف راست اویند، تا آنجا که خاک به پایان رسد و همه چیزهایی که در طرف چپ اویند، تا آنجا که خاک به پایان رسد، با او تلبیه گویند و دو فرشته - که بر او مگنند - به او گویند: «مژده باد ترا، ای بنده خدا! و خدا جز به بهشت بشارت ندهد!»

و هر که در احرام خود هفتاد بار با ایمان و احقاب «لبیک» گوید خداوند هزار فرشته شاهد گیرد که از آتش و از نفاق بیزار است.

و آنکه به حرم رسد و فرود آید و غسل کند و دو کفش به دست گیرد، و پیاده در حال تواضع در برابر خدا به حرم درآید، خدا صد هزار «سیئه» از او محو کند و صد هزار حسنه برایش بنویسد و صد هزار درجه برایش بالا برد و صد هزار حاجت برایش برآورد.

و آنکه با آرامش به مکه درآید - یعنی بدون تکبر و زورگویی بدان درآید.

و آنکه پابرهنه، با آرامش و وقار و

بدان موقف رسد، از گناهانش بدر آید و آنگاه بدان مرد فرمود:

«تو کجا می توانی به آنچه حاجی می رسد، برسی؟»

آنگاه امام صادق - ع - در پایان این روایت فرمود:

«تا چهار ماه، بر حاجی گناه نویسند و برایش حسنات نویسند مگر آنکه گناه کبیره ای بجای آورد». ۱۰

۸ - باز در روایت صحیح از معاویه بن عمار از امام صادق - ع - آمده است که پیامبر - ص - فرمود: «حج و عمره بی چیزی را می زداید، همانگونه که آتش تیرگی آهن را می زداید».

معویه گوید: به امام گفتم: «یک بار حج برتر است یا بنده آزاد کردن؟»
فرمود: «حج افضل است».

گفتم: دو تا؟ گفت: حج. و من هر چه بر شمار می افزودم امام - ع - می گفت: حج افضل است. تا رسیدم به سی بنده، باز فرمود: حج افضل است! ۱۱

۹ - باز در روایت صحیح آمده است که: «حاجیان سه دسته اند: یک دسته اند که از آتش آزاد گردند، دسته دیگر، از گناهانشان بدر آیند به گونه روزی که از مادر زادند و دسته دیگر، خانواده و

خضوع به مسجد الحرام در آید، خدا او را
بیامرزد.

و آنکه با معرفت، به کعبه نظر افکند،
خدا گناهانش را بیامرزد و مهماتش را
کفایت کند.^{۱۳}

۱۱ - امام علی بن الحسین - ع - فرمود:
«آنکه بین صفا و مروه سعی کند، فرشتگان
شفیع او گردند و شفاعتشان مورد قبول
قرار گیرد».^{۱۴}

۱۲ - امام باقر - ع - فرمود: «هیچ
نیکوکاری و بدکاری بر این کوهها نایستد
مگر آنکه خدا دعایش را مستجاب کند،
نیکوکار برای آخرتش مستجاب شود و
بدکار برای دنیایش!»^{۱۵}

۱۳ - امام صادق - ع - فرمود: «هر
آبادی نشین مؤمنی که در عرفه وقوف کند،
خدا همه مؤمنان آن آبادی را بیامرزد، و
هر شخص مؤمنی از یک خانواده در عرفه
وقوف کند، خدا مؤمنان آن خانواده را
بیامرزد».^{۱۶}

۱۴ - باز در «من لایحضره الفقیه»
آورده است: «گناهکارترین مردم در
عرفاتیان، آن کسی است که از عرفات
برگردد، با این گمان که خدایش
نمی‌آمرزد؛ یعنی کسی که ناامید از رحمت

خداست.^{۱۷}

غزالی سند گفته بالا را به حدیثی از
اهل بیت - علیهم السلام - می‌رساند،
می‌گوید: «گفته‌اند پاره‌ای از گناهان که
چیزی جز وقوف به عرفه، کفاره‌اش نیست
و جعفر بن محمد - ع - سند این گفته را به
رسول خدا - ص - رسانده است».^{۱۸}

۱۵ - باز در «من لایحضره الفقیه» از
امام صادق - ع - آورده است: آنکه یک
حجۃ الاسلام بجای آورد، بندی از آتش از
گردن خود گشوده است و آنکه دو حج کند
پیوسته تا روزی که بمیرد در خیر به سربرد
و آنکه سه حج پی‌درپی بجا آورد، خواه
پس از آن حج کند یا نکند، چون کسی
است که همه ساله حج بجا آورد.^{۱۹}

۱۶ - و روایت شده که: «آنکه سه حج
بجا آورد، هرگز بی چیز نخواهد شد، و هر
شتر که سه سال به حجش برند، جاندار
بهشتی‌اش سازند!» - هفت سال هم روایت
شده است -.^{۲۰}

۱۷ - حضرت رضا - ع - فرمود: «هر
مؤمنی که سه بار حج کند، خود را به قیمت
به خدای - عزوجل - فروخته
باشد و از او نپرسند که مال را از
حلال یا حرام به دست آورده

است.*

و هرکس چهار حج بجای آورد، فشار قبر به او نرسد و وقتی بمیرد، خدا حجهایی را که به جای آورده در چهره‌ای زیبا و زیباترین چهره درآورد، که در اندرون گور، نماز خواند تا خدا از گورش برانگیزد و ثواب نمازها از آن او باشد و بدانکه یک رکعت از این نماز همآورد یک هزار رکعت از نماز آدمیان است.

و هرکس پنج حج انجام دهد، خدا هیچگاه عذابش نکند.

و هرکس ده حج بجای آورد، خدا هیچگاه از او حساب نخواهد.

و هرکس بیست حج انجام دهد، جهنم را نبیند و شیعه و زوزه‌اش را نشنود.

و هرکس چهل حج انجام دهد به او گویند: از هرکس دوست داری شفاعت کن و درهای بهشت را برویش بگشایند که خود و آنها که شفاعتشان کرده است به بهشت درآیند.

و هرکس پنجاه حج انجام دهد، در بهشت «عدن» برایش شهری بسازند که در

آن یک هزار قصر باشد و در هر قصری یک هزار حورالعین و یک هزار همسر و او را از رفقای حضرت محمد - ص - در بهشت کنند.

و هرکس بیش از پنجاه حج کند، همانند کسی باشد که پنجاه حج با محمد - ص - و اوصیای او - صلوات الله علیهم - به جا آورده باشد و از کسانی باشد که خدا هر روز جمعه به دیدار او رود و از کسانی باشد که به بهشت «عدن» که خدایش به دست خود ساخته، و هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ آفریده‌ای بر آن اطلاع نیافته، اندر آید.

و هیچکس نباشد که حج بسیار بجای آورد، مگر آنکه خدا برای او در برابر هر حجی، شهری در بهشت سازد که در هر غرفه‌ای از آن یک حورا از حورالعین بهشتی باشد که با هر حوریه‌ای سیصد کنیز زیبا باشد که مردمان به حُسن و زیبایی آنان ندیده باشند.^{۲۱}

۱۸ - حضرت صادق - ع - فرمود: «هرکس، یک سال در میان حج کند،

* صدوق در عیون اخبار الرضا - ع - پس از نقل کامل خبر، می‌فرماید: «فقط در این روایت اینست که اگر شبهه‌ای در مالش باشد از او نپرسند و مدعیان او را با «عوض» راضی سازند. فیض در وافی پس از نقل این سخن گوید: احتمالاً این، در صورتی است که شخص توبه کرده باشد و صاحبان مال را بطور مشخص نشناسد که آن را بدیشان بازگرداند.

دائم الحج به شمار آید».^{۲۲}

۱۹ - اسحق بن عمار گوید: «به امام صادق گفتم: من با خودم قرار گذاشته‌ام که هر ساله، خودم، یا یکی از خاندانم با دارایی خودم حج کنم. حضرت فرمود: بر این کار، تصمیم داری؟ گفتم: آری! فرمود: اگر چنین کرده‌ای، یقین داشته باش که مالت زیاد شود، یا فرمود: بشارت باد تو را به افزونی مال».^{۲۳}

۲۰ - و نیز روایت شده است که: «هیچ بنده‌ای به خدا نزدیک نشود به کاری که از پیاده رفتن به خانه خدا، محبوب‌تر باشد که یک حج پیاده، هم‌اورد هفتاد حج است و هرکس بر شتر خود رود، خدا ثواب میان سواره و پیاده را برای او بنویسد و آنگاه که بند کفش حج گزار، بگسلد، خدا ثواب میان پابرهنه و کفش‌پا را به او بدهد و حج سواره، از حج پیاده افضل است؛ زیرا که رسول خدا - ص - سواره حج کرد».^{۲۴}

* جمع بین این دو خبر، در این معنی، روایتی است که ابوبصیر از حضرت صادق - ع - روایت کرده است که فرمود: «راه رفتن افضل است یا سواره؟ فرمود: اگر شخص توانگر است و بخواهد به خاطر خرج کمتر پیاده رود، سواره افضل است».^{۲۵}

و حسن بن علی - ع - پیاده می‌رفت و محملها و توشه‌ها را همراه او راه می‌بردند.^{۲۶}

روایت شده است که فضیلت حج، از نماز و روزه بیشتر است زیرا نمازگزار، تنها ساعتی از خانواده‌اش مشغول می‌شود و روزه‌دار از سپیدی روز، مشغول می‌شود؛ ولی حاجی، با تمام وجود، بیرون می‌آید و خودش را فدا می‌کند و دارایش را خرج می‌کند و مدت زیادی از خاندانش غایب می‌شود در حالی که نه امید دریافت مال دارد و نه در پی تجارت است.^{۲۷}

۲۲ - از اسحاق بن عمار روایت شده است که می‌گوید: «به امام صادق - ع - گفتم: مردی ناتوان در مورد حج با من مشورت کرد و من به او اشاره کردم که حج نکند، فرمود: سزد که یکسال بیمار شوی؛ و من یکسال بیمار شدم!»^{۲۸}

۲۳ - حضرت صادق - ع - فرمود: «مبادا احدی از شما برادرش را از حج باز دارد که در دنیا به او فتنه خواهد رسید، افزون بر آنچه در آخرت برایش ذخیره شود».^{۲۹}

۲۴ - از امام صادق - ع - درباره کسی که از جانب دیگری حج می‌کند سؤال شد که هیچ اجر و ثوابی دارد؟ حضرت فرمود:

«کسی که از جانب دیگری حج می‌کند اجر و ثواب ده حج دارد و خودش، پدر، مادر، پسر، دختر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله‌اش آمرزیده شوند که خدا گشاده دست و باکرامت است».^{۳۰}

۲۵ - هر کس از سوی انسان دیگری حج کند، آن دو شریک همدان تا وقتی که طواف واجب به پایان رسد، شرکت هم منقطع می‌شود و اعمالی که بعد از طواف فریضه انجام می‌دهد، ویژه حج‌گزار خواهد بود.^{۳۱}

۲۶ - حضرت صادق - ع - فرمود: «اگر هزار نفر را در حج خود شریک گیری هر کدام آنان، (ثواب) حج خواهند داشت بی آنکه از حج خودت چیزی کم شود».^{۳۲}

۲۷ - روایت شده است که خدا برای حج‌گزار و کسانی که شریک حج خویش گرفته، حج خواهد نوشت و حج‌گزار اجر دیگری خواهد داشت؛ زیرا او آنان را به هم پیوند داده است.^{۳۳}

۲۸ - امام صادق - ع - فرمود: «هر کس یک درهم در حج خرج کند، برایش بهتر از یک هزار درهم است که به حق خرج کند».^{۳۴}

۲۹ - حضرت علی بن الحسین - ع - فرمود: «ای گروه حج ناکرده! شما را به

حاجیان بشارت باد، آنگاه که از حج بازگشتند با آنان مصافحه کنید و آنان را بزرگ شمارید که این بر شما واجب است و شما شریک اجر آنان خواهید بود...»^{۳۵}

۳۰ - باز آن حضرت فرمود: به سلام و دست دادن به حاجیان - پیش از آنکه گناهان با آنان درآمیزد - پیشی جوئید.^{۳۶}

* * *

گروهی از اهل مکاشفه و مقربان چنین آورده‌اند: دیو پلید - که نفرین خدا بر او باد - به صورت کسی لاغراندام با رنگ زرد و چشم گریان و پشت خمیده نمودار شد، آن کس به شیطان گفت: چرا گریه می‌کنی؟ دیو پاسخ داد: شیعه اسب پیکارجویان در راه خدا به گریه‌ام انداخته است و اگر در راه من بود آن را دوست می‌داشتم!

گفت: چرا رنگت دگرگون شده؟ گفت: همکاری این گروه بر فرمانبری از خدا که اگر بر نافرمانی همکاری می‌کردند، دوست می‌داشتم.

گفت: چرا پشتت خمیده؟

پاسخ داد: اینکه بنده به خدا می‌گوئید: از تو پایان کار خوب درخواست می‌کنم. می‌گویم: وای من! به کجا این مرد از کار خود به شگفت می‌آید، من می‌ترسم که

زیرک باشد.^{۳۷*}او را نخواهد آمرزید.^{۴۱}

۷- و پیغمبر - ص - فرمود: هرکس به قصد حج یا عمره از خانه اش بیرون رود و بمیرد، تا روز رستاخیز به او پاداش حج گزار و عمره گزار می دهند و آنکه در مکه یا مدینه بمیرد، او را به عرضه حساب نبرند و به حساب نکشند و به او گویند: به بهشت اندر آی!^{۳۸}

۱۱- و ابن عباس - رضی الله عنه - از پیامبر - ص - روایت کرده است که فرمود: «هر روز، یکصد و بیست رحمت بر این خانه فرود می آید: شصت رحمت برای طواف گران، چهل رحمت برای نماز گزاران و بیست رحمت برای نگاه کنندگان به خانه».^{۴۲}

۸- و پیغمبر - ص - فرمود: «یک حج نیکو، (مبرور) از دنیا و هر آنچه که در دنیاست، بهتر است و چنین حجی پاداشی، جز بهشت ندارد».^{۳۹}

۱۲- و در خبر آمده است: «بسیار طواف خانه کنید که مجلل ترین چیز و مورد غبطه ترین کاری است که روز رستاخیز در کارنامه هاتان (نامه عملتان) خواهید یافت و از اینروست که طواف ابتدایی بی حج و بی عمره مستحب است».^{۴۳}

۹- و پیغمبر - ص - فرمود: حج گزاران و عمره گزاران مهمانان^{**} و دیدار کنندگان با خدایند، اگر از او درخواست کنند، به آنان خواهد داد و اگر آموزش خواهند، آمرزیده خواهند شد و اگر خدا را بخواهند پاسخ خواهند یافت و اگر شفاعت برند، شفاعتشان پذیرفته خواهد شد.^{۴۰}

۱۳- و در خبر آمده است که: «هرکس یک هفته و سربرهنه^{***} طواف کند، پاداشی چون پاداش یک بنده آزاد کردن دارد. و هرکس یک هفته در بار طواف کند گناهان گذشته اش آمرزیده شود».^{۴۴}

۱۰- در حدیث مُسنَدی از طریق اهل بیت - علیهم السلام - آمده است: «گناهکارترین مردم آن کسی است که در عرفه وقوف کند و گمان برد خدای متعال

۱۴- و گفته اند: «خدا، آنگاه که گناهی را برای بنده ای در «موقف عرفه» بیامرزد، هر چیزی هم که در «موقف» به او برسد،

* متی یعجب هذا بعمله اخاف ان يكون قد فطن، احیاء، ج ۱، ص ۲۴۰.

** وفدالله و زواره.

*** حاسراً.

خواهد آمرزید».^{۴۵}

۱۵ - گروهی از پیشینیان گفته‌اند: «هنگامی که عرفه با جمعه یکی شود، خداوند همه اهل عرفه را خواهد آمرزید و آن برترین روز در گیتی است. و در این روز بود که پیامبر - ص - حجة الوداع را انجام داد. او در حال وقوف به عرفه بود که این آیه بر او نازل شد: «اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً».

که اهل کتاب گفتند: ^{۴۶} اگر این آیه بر ما فرود آمده بود، آن روز را عید می‌گرفتیم و عمر در پاسخ گفت: من گواهی می‌دهم که این آیه در دو عید روز عرفه و روز جمعه بر پیغمبر - درود خدا بر او باد - فرود آمد در هنگامی که وقوف به عرفه داشت.^{۴۷}

۱۶ - و پیغمبر - ص - فرمود: «خدا یا! حج گزار و هر که حج گزار برایش آمرزش خواهد، پیامرز.^{۴۸}

۱۷ - و روایت کرده‌اند که: علی بن موفق، از سوی پیامبر - ص - چند حج گزارد. می‌گوید پیامبر خدا - ص - را در خواب دیدم، به من گفت: ای ابن موفق از

سوی من حج گزاردی؟ گفتم: آری! گفت: از سوی من «لیک» گفتی؟ گفتم! آری! گفت: من روز رستخیز پاداشت* می‌دهم. دست را در «موقف قیامت» می‌گیرم و در حالی که مردمان در گرفتاری «حساب» اند به بهشت اندر می‌آورم.^{۴۹}

۱۸ - مجاهد و علمای دیگر گفته‌اند: هنگامی که حاجیان به مکه در آیند. فرشتگان با آنان دیدار می‌کنند و بر شتر سواران سلام می‌کنند و با درازگوش سواران دست می‌دهند و با پیادگان گردن به گردن می‌نهند (معانقه می‌کنند).^{۵۰}

۱۹ - و حسن [بصری] گفته است: هر که پس از رمضان یا پس از جنگ یا پس از حج بمیرد، «شهید» مرده است.^{۵۱}

۲۰ - و عمر گفته است: «حج گزار آمرزیده است و هر کس که حج گزار در ذی الحجه و محرم و صفر و بیست روز اول ربیع الاول برای او آمرزش بخواهد، آمرزیده خواهد شد».^{۵۲}

و رویه پیشینیان - رضی الله عنهم - این بود که جنگ آوران را بدرقه می‌کردند و به پیشواز حاجیان می‌رفتند و میان چشمه‌ایشان را می‌بوسیدند و از آنان

درخواست دعا می کردند و به این کار پیشی می جستند پیش از آنکه به گناهان آلوده شوند».^{۵۳}

۲۱- و از علی بن موفق روایت شده است که گفت: «سالی، حج گزاردم و چون شب عرفة شد در منی در مسجد خیف خوابیدم در خواب دیدم گویی دو فرشته که جامه سبز بر تن داشتند، از آسمان فرود آمدند، یکی دیگری را فریاد زد: ای بنده خدا! و دیگری گفت: «لبیک» ای بنده خدا!

فرشته نخست گفت: می دانی امسال چند کس حج خانه پروردگار، - که بلند مرتبه و والا باد - گزاردند؟ فرشته دوم گفت: نمی دانم. فرشته نخست گفت: شصت هزار کس حج خانه پروردگار گزاردند، آیا می دانی حج چند تن پذیرفته شده است؟ فرشته دوم گفت: نه. فرشته نخست گفت: شش کس! می گوید: آن دو فرشته، به هوا برخاستند و از دید من پنهان شدند و من سراسیمه از خواب بیدار شدم و به سختی اندوهگین گشتم و در کار خود به اندیشه فرو رفتم و گفتم: اگر تنها حج شش کس پذیرفته شده باشد من کجا در میان این شش کس باشم؟ و چون از عرفة کوچ کردم و در «مشرالحرام» وقوف کردم همچنان در اندیشه بسیار بودن آفریدگان و اندک

بودن کسانی که حجتشان پذیرفته شده است بودم که خواب بر من چیره شد و آن دو فرشته را دیدم با همان شکل فرود آمدند و یکی دیگری را فریاد زد و همان سخن را دوباره گفت. و آنگاه گفت: می دانی پروردگار امشب چه فرمانی داده است؟ دیگری گفت: نه. فرشته نخست گفت: به هر یک تن، صد هزار کس بخشید! می گوید: از خواب بیدار شدم و چنان شاد بودم که به توصیف در نمی آید».^{۵۴}

۲۲- باز علی از بن موفق رسیده است که می گوید: «به سالی حج گزاردم و چون مناسک حج را به پایان رساندم درباره کسانی که حجتشان پذیرفته نشده است در اندیشه رفتم و گفتم: خدایا! من حج را بخشیدم و پاداش آن را به کسانی دادم که حجتشان پذیرفته نشده است. می گوید: خدای را - که والا و بلند مرتبه باد - در خواب دیدم که به من گفت: ای علی! تو بر من، گشاده دستی می کنی در حالی که من گشاده دستی و گشاده دستان را آفریده ام! و من از همه بخشنندگان بخشنده ترم و از همه بزرگواران بزرگوار ترم و از همه جهانیان به بخشنندگی و بزرگواری شایسته ترم من حج همه کسانی را که حجتشان را نپذیرفته ام به کسانی که حجتشان پذیرفته شده است،

بخشیدم». ۵۵

* مرحوم فیض کاشانی، با آنکه حج را - از قول غزالی - تمام اسلام و کمال دین معرفی کرده است، اما آیه کریمه‌ای را که غزالی در این مورد آورده، ذکر نکرده است. این آیه، آیه معروف «الیوم اکملت لکم دینکم...» است که در روایات شیعه، مربوط به جریان غدیر خم و نصب حضرت علی - ع - بر خلافت دانسته شده است.

برای تفصیل این بحث رجوع بفرمائید تفسیر المیزان ج ۵، ص ۱۷۸ تا ۱۹۴ (بحث تفسیری) و نیز ص ۲۰۵ تا ۲۱۴ (بحث روایی). استاد فقید علامه طباطبائی رضوان الله علیه، بحثی مستوفی و مستدل با ذکر اقوال مفسرین عامه و بیان موارد ایراد و اشکال، ثابت کرده‌اند که آیه مورد بحث (که بخشی از آیه ۴ سوره مائده است) در مورد ولایت حضرت علی - ع - نازل شده است.

* آنچه از علی بن موفق در مورد خواب دیدن خدا آمده است، با مذاق «مُجَسِّمه» سازگار است که نه تنها با مذاق اهل بیت - ع - و شیعه اهل بیت - ع - سازگار نیست، بلکه درست اندیشان اهل سنت نیز چنین گفته‌هایی را نادرست می‌دانند. مگر آنکه کسی بگوید خواب دیدن خدا به معنی شنیدن صدای محض است بدون دیدن کسی که آن هم از شأن امثال علی بن موفق بسی بالاتر است.

* روایات فراوانی که ثوابهای بسیار با رقمهای هزار و ده هزار و صد هزار و بیش و کم از اینها نقل می‌کند، جز آنکه از خزانه بیکرانه رحمت الهی، هر چه بگویی، برمی آید، شاید به مراتب مختلف روحی و اوج و فرود حالات عبادی حاجیان نیز نظر داشته باشد. و به هر حال نباید از بسیاری عطایای الهی چه معنوی چه مادی چه بهشتی و چه دنیایی در شگفت شد... کرم خدا، بی‌نهایت است و اینها، تازه، قطراتی ناچیز از کرم الهی است...

پاورقی‌ها:

۱. درالمشور، ج ۳، ص ۴۲۶. (طبع جدید)
۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۴۸۴ و صحیح مسلم کتاب الحج، ح ۴۳۸ و صحیح البخاری کتاب الحج، باب ۴.
۳. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۰.
۴. فقیه ج ۲، ص ۱۵۰، ضمن ح ۶۵۸.
۵. فقیه ج ۲، ص ۱۳۰.
۶. فقیه ج ۲، ص ۱۳۶ ح ۵۸۱.

۷. فقیه ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱۲۶۱.
۸. فقیه ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۱۲۶۰.
۹. فقیه ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۱۳۰۳.
۱۰. تهذیب ج ۵، ص ۱۹، ح ۵۶.
۱۱. تهذیب ج ۵، ص ۲۱، ح ۶۰.
۱۲. تهذیب ج ۵، ص ۲۱، ح ۵۹ و کافی ج ۴ ص ۲۵۳، ح ۶ و ثواب الاعمال ص ۷۲، ح ۹.
۱۳. فقیه ج ۲، ص ۱۳۲، ح ۵۵۳.
۱۴. فقیه ج ۲، ص ۱۳۵، ح ۵۷۷.
۱۵. فقیه ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۵۸۳.
۱۶. فقیه ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۵۸۴.
۱۷. فقیه ج ۲، ص ۱۳۷، ذیل ح ۵۸۷.
۱۸. احیاء علوم ج ۱، ص ۲۴۰ و در آخر صفحه اول گذشت.
۱۹. فقیه ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۶۰۳.
۲۰. فقیه ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۶۰۴ و ۶۰۵.
۲۱. فقیه ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۶۰۶.
۲۲. فقیه ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۶۰۷.
۲۳. فقیه ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۶۰۸.
۲۴. فقیه ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۶۰۹.
۲۵. فقیه ج ۲، ص ۱۴۱، ح ۶۱۰.
۲۶. فقیه ج ۲، ص ۱۴۱، ح ۶۱۱.
۲۷. فقیه ج ۲، ص ۱۴۳، ح ۷۲۶.
۲۸. فقیه ج ۲، ص ۱۴۳، ح ۷۴.
۲۹. فقیه ج ۲، ص ۱۴۳، ح ۶۲۵.
۳۰. فقیه ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۶۲۹.
۳۱. فقیه ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۶۳۰.
۳۲. فقیه ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۶۳۲.
۳۳. فقیه ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۶۳۰.
۳۴. فقیه ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۶۳۷.
۳۵. فقیه ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۶۴۷.
۳۶. فقیه ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۶۴۸.
۳۷. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۰.
۳۸. احیاء علوم ج ۱، ص ۲۴۰، کامل ابن عدی ج ۵، ص ۱۹۹۲ مختصراً.
۳۹. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۰، ذیل فی کامل ابن عدی ج ۳ ص ۱۲۸۸ و ج ۶، ص ۲۱۴۶.
۴۰. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۰، کامل ابن عدی ج ۶، ص ۲۲۰۴.
۴۱. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۰.
۴۲. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۰.
۴۳. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۰.
۴۴. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۰.
۴۵. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۰.
۴۶. صحیح بخاری ج ۱، ص ۳۱، ح ۴۴، کتاب الایمان و صحیح مسلم ج ۵، ۵۱۷ تا ۵۱۸ ح ۳ تا ۵ و مصادر آخر لاتعدّ ولا تحصی.
۴۷. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۰ و ۲۴۱.
۴۸. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۱، مستدرک الحاکم ج ۱، ص ۴۴۱، کامل ابن عدی، ج ۴، ص ۱۳۲۶.
۴۹. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۱.
۵۰. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۱.
۵۱. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۱.
۵۲. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۱.
۵۳. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۱.
۵۴. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۱.
۵۵. احیاء علوم، ج ۱، ص ۲۴۱.

